

کارورزی

در مهد کودکی کیانا

نام دبیر مربوطه: جناب آقای تفکر

تهیه کنندگان:

امین اکبری

علیرضا کیائی

بهار ۸۵

مواردی را که باید در مهدکودک مورد مشاهده قرار داد:

۱- وضع فیزیکی مهدکودک:

- ساختمان دور از خیابان اصلی و شمالی بود و از سر و صدا دور بود.
- ساختمان دارای یک زیرزمین مناسب و عاری از رطوبت بود که شامل دو اتاق، هال و یک سرویس بهداشتی بود که برای کودکان ۴ ماه تا ۲ سال در نظر گرفته شده بود. دمای مناسبی داشت و با پرده های زیبا عروسکی تزئین شده بود در یک اتاق سه تخت و فضای بزرگی برای بازی داشت و اتاق دیگر برای تعویض لباس بچه در نظر گرفته شده بود.
- در طبقه بالا ۵ اتاق، ۲ توالت فرنگی و ۱ توالت معمولی، آشپزخانه ای بسیار بزرگ این و یک هال بزرگ داشت.
- مساحت کل ملک ۶۰۰ متر مربع بود که در باغستان کرج واقع می باشد.
- آدرس: کرج، باغستان غربی، بوستان ۱۴، روبروی مخابرات، پلاک ۱، ۴۵۷
- تلفن ۴۳۰۸۳۱۶
- مساحت اتاقها متناسب با تعداد کودکان بود و دارای تهویه هوا بودند.
- تمام اتاقها از نور کافی برخوردار بودند.
- از رنگهای بنفش، صورتی و سفید برای رنگ آمیزی استفاده شده بود.
- فقط یک کلاس کودکان قادر بودند از پشت پنجره اتاق به راحتی فضای

حیات را مشاهده کنند.

- پریزهای برق دارای روپوش ایمنی بود.

- در اطاقها قفسه کافی جهت نگهداری لوازم شخصی هر کودک به طور مجزا

وجود داشت.

- مساحت حیات مهد به اندازه کافی بزرگ بود تا کودکان بتوانند آزادانه و

بدون اینکه به یکدیگر برخورد کنند بازی کنند. (حدود ۲۰۰ متر مربع)

- مهدکودک دارای استخر بود که با نرده دور تا دور آن زده شده بود.

- ساختمان مهدکودک برای زیرزمین و طبقه بالا دارای پلکان بود. ابتدا و

انتهای پله ها ایمن شده بود و عرض و ارتفاع مناسب داشت.

- کلیه دربها و پنجره ها از نظر ایمنی طوری طراحی شده بود که کودکان به

راحتی نمی توانستند آنها را باز کنند. نوک سر پنجره ها بالای سر کودکان

نبود.

- پنجره ها مجهز به تور سیمی می باشند.

- دربها و پنجره ها دارای حفاظ مناسب بودند.

- دستشویی و توالت مناسب کودکان پیش دبستانی نبود. دستشویی بلند و دو

تا از توالتها فرنگی بود.

- کف فضای داخل مرکز (طاقها و راهروها) با موکت پوشانده شده بود.

- زمین حیاط بازی با موزائیک و محوطه اسباب بازی با شن پوشانده شده بود.

۲- وضعیت بهداشت، ایمنی و تغذیه در مهدکودک:

- فضای اتاقها، صندلیها، وسایل کمک آموزشی، اسباب بازیها از نظافت لازم برخوردارند. در قسمت شیرخوار محل تعویض لباس داشتند.

- در هر اتاق سطل زباله دردار وجود داشت.

- ملحفه تشک، پتو و بالش مناسب وجود داشت.

- صابون در تمام سرویسهای بهداشتی کودکان، دستمال کاغذی (لور) در

محل مناسب برای استفاده کودکان قرار داشت.

- در مهدکودک طبخ غذا نداشتند.

- صورت میان وعده های بچه ها به صورت برنامه فتوکپی شده به مادرها

داده شده بود و نمونه ای از آن روی دیوار نصب شده بود «نمونه ای از آن

ضمیمه می باشد.»

- کودکان موظف به شستن دستهای خود قبل از صرف میان وعده بودند.

- تغذیه کودکان از خانه آورده می شد و در مهد فقط مصرف می کردند.

- کودکان برای خوردن میان وعده مستقلاً عمل می کردند و دو نفری به مربی

نیازمند بودند.

- برای صرف غذا مکان مخصوصی در مهدکودک در نظر گرفته شده بود.

۳- وسایل، تجهیزات و اسباب بازیهای مهدکودک

- تجهیزات و اسباب بازیها جوابگوی نیاز گروههای مختلف سنی کودکان بود.

- تجهیزات و اسباب بازیها در وضعیت مطلوب به نظر می آمدند شکسته و ناقص نبودند.

- تعداد و مقدار اسباب بازیها نسبت به تعداد کودکان هر کلاس کافی به نظر می آمد.

- هر کلاس مجهز به کتابخانه کوچک بوده که در حد دسترسی کودکان نیز بود.

- تعداد کتابهای قصه نسبت به تعداد کودکان کافی بود و متناسب با گروه سنی مورد نظر بود.

- کلاسها در حد مطلوب و جذاب تزئین شده بود. دور تا دور اطاقها با یونولیتهای یک متر در یک متر نقاشی شده و نایلون گرفته شده بود.

- کلاس و راهرو به مراکز رغبت تقسیم بندی شده بود؛ دو چادر کوچک برای

بازی در گوشه از راهرو بود. اتاق کوچکی برای اسباب بازی و محل بازی

بود، سکویی برای اجرای نمایش در راهرو قرار داشت که با هماهنگی با مدیر،

کلاسها از فضای راهرو مشترک استفاده می کردند.

- برنامه آموزشی سالانه در دفتر مدیر نصب شده بود و برای هر هفته یک واحد کار در نظر گرفته بودند که به شکل بسیار زیبا و گاهی برجسته در آورده بودند.

- برنامه آموزشی هفتگی و روزانه نیز داشتند.

- مهد دارای ضبط صوت و تلویزیون بود که کلاسها از آن استفاده می کردند.
- در زمان بازدید برنامه آموزشی در حال اجرا با برنامه نصب شده مطابقت داشت.

- میز و صندلی مناسب با قد و تعداد کودکان وجود داشت.

- در کلاسها موکت فرشی یا تکه ای وجود نداشت.

- کپسول اطفاء حریق به تعداد کافی نصب گردیده بود.

۴- نحوه اجرای برنامه های آموزشی مهدکودک توسط مربیان:

- برنامه های آموزشی از قبل برنامه ریزی شده بود.

- مربی سعی در متمرکز کردن حواس کودکان قبل از شروع برنامه آموزشی

یا کار گروهی داشت. به کودکان می گفت حالا می خواهیم کارمان را شروع

کنیم بعد از این حرف همه «بسم ... الرحمن الرحیم، به نام خداوند بخشنده

مهربان» می گفتند. چند سوره و شعر که قبلا با آنها کار شده بود می پرسید

و موضوع هفته و تقویم را سؤال می کرد و بعد به آموزش می پرداخت. در

- بین فعالیتهای به بچه ها استراحت می داد.
- محتوای برنامه آموزشی متناسب با گروههای سنی مورد نظر بود.
- مدت اجرای فعالیت آموزشی در کودکان ۱۰ دقیقه و در پیش دبستانی ۱۵ دقیقه و گاهی کمتر بود.
- کودکان علاقه و رغبت به انجام برنامه های آموزشی از خود نشان می دادند.
- برنامه آموزشی روزانه کودکان به ترتیب بود و از نظم خاصی با در نظر گرفتن نیازهای جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان در نظر گرفته شده بود.
- برنامه های روزانه در مهدکودک قابلیت انعطاف پذیر داشتند.
- برنامه های آموزشی به طور مجسم و نیمه مجسم اجرا می شد.
- مربی در اجرای برنامه های آموزشی از خود صبر و حوصله نشان می داد و با شتاب و عجله به کار آموزش کودکان نمی پرداخت.
- در حین انجام فعالیت مربی از ایجاد تبعیض میان کودکان احتراز می ورزید.
- هنگام انجام فعالیت آموزشی سعی در از بین بردن سایر محرکهای زاید از موقعیت یادگیری توسط مربی و سایر مسئولین می شد.
- نمونه واحد کار هفته در اطاقها در محل مناسب نصب شده بود.

- در آموزش کودکان از وسایل سمعی و بصری استفاده می شود.
- در زمان بازدید برنامه آموزشی در حال اجرا با برنامه نصب شده مطابقت داشت.

- در برنامه ریزی روزانه استفاده از فضای باز منظور شده و اجرا می گردید.
- شستشوی روزانه دستهای کودکان قبل و بعد از هر تغذیه در برنامه ریزی پیش بینی شده بود.

- در برنامه روزانه مرحله فعالیت و استراحت متعاقب هم قرار داشت.
- در برنامه روزانه ساعت خواب و استراحت پیش بینی شده، اجرا می شد.

برنامه ۵ تا ۱۵ دقیقه کار می کردند و بعد استراحت می کردند که شامل نرمش بین کار، خوردن تغذیه، دیدن تلویزیون، موسیقی، بازی در حیاط بود.

- واحد کار هفته شامل: بحث و گفتگو، نکات بهداشتی و ایمنی، نکات اجتماعی و اخلاقی، زبان آموزی، مفاهیم علوم ریاضی، نقاشی، کاردستی، بازی، قصه، داستان و شعر و نمایش بود.

- در برنامه روزانه استفاده از فضای باز منظور شده و در شرایط خوب هوا، اعمال می گردید.

۵- رفتار مربیان و مسئول مهد با یکدیگر با والدین و به ویژه با کودکان

- مربیان و مسئولین مرکز، کودکان را در همه موارد مورد حمایت و محبت خود قرار می دادند.

- مربیان سعی در به وجود آوردن محیطی امن و قابل اطمینان برای کودکان بودند. بچه ها شاد می آمدند و شاد می رفتند.

- مهدکودک رابطه مطلوب با والدین برقرار می کرد.

- مربیان به طور آزادانه با والدین ارتباط مستقیم می توانستند داشته باشند.

- روشهای تربیتی جهت کنترل و اجرای قوانین در مرکز.

محرومیت از کلاس

محرومیت از بازی

محرومیت از دیدن تلویزیون

- قوانین مهدکودک برای کودکان روشن بود اما آگاهی نیاز به گوشزد هم بود.

- مربیان و مسئولین همیشه سعی داشتند کودکان را به طور مثبت راهنمایی کنند.

۶- کودکان

- مشاهده رفتار کودکان در محیط طبیعی انجام شد. مانند: بازی، برقراری

ارتباط با سایر همسالان، غذا خوردن، میزان زمان صرف شده در فعالیتهای

مختلف، خلاقیت کودکان در حین انجام فعالیتها، ارتباط کودک با بزرگسالان در مهدکودک، وضعیت خواب کودک در مهد، رشد گفتاری (ادراک شنوایی، بیان کلامی و لغات)، رشد شناختی (مفاهیم)، رشد حرکتی (کوچک و بزرگ)، رشد عاطفی و اجتماعی.

- مشاهده مشکلات رفتاری کودکان

لکنت زبان یک مورد، سرپیچی از مقررات ۳ مورد، عدم همکاری در امور محوله یک مورد مشاهده شد.

۷- چگونگی پرونده های آموزشی و پزشکی کودکان مهدکودک که در دفتر مهدکودک موجود بود.

این موارد وجود داشت:

- کپی شناسنامه پدر و مادر صفحه اول و دوم و کپی شناسنامه کودک

- کپی کارت واکسیناسیون

- ۲ قطعه عکس از کودک، یک قطعه عکس از پدر و مادر

- گواهی صحت مزاج از پزشک به تاریخ روز

۸- فرمهای ارزشیابی کودک، والدین و سایر فرمهای موجود در مهدکودک

فرمهای ارزشیابی کودک پیوست می شود.

«واحد کار خانواده»

هدف های کلی:

- آشنایی بیشتر با خانواده و وظایف هر یک
- آشنایی عمیق تر با مفهوم پدربزرگ و مادربزرگ (خانواده هسته ای و گسترده)
- آشنایی عمیق تر با مفاهیم دایی، خاله، عمه و عمو
- یاد دادن شعری در مورد خانواده

هدفهای رفتاری:

- کودک در مورد وظایف هر یک از اعضا خانواده توضیح می دهد.
- کودک نسبت پدربزرگ، مادربزرگ، عمو، عمه، دایی، خاله را با استدلال بیان می کند.
- کودک شعری در مورد خانواده می خواند.
- کودک به خانواده خود علاقمندی نشان داده و عکسهایی از آنها را به مهد می آورد.

مقدمه:

این واحد کار برای مهد و پیش دبستانی از ضروریات است زیرا با این واحد کار کودک خود را در کوچکترین نهاد اجتماعی بهتر حس می کند و می

شناسد و به خودشناسی او کمک کرده و باعث رشد عاطفی و اجتماعی او می شود.

مشاهده:

- امروزه با چه کسی به مهدکودک آمدید؟ او با شما چه نسبتی دارد؟ وظایف او چیست؟

بحث و گفتگو:

- بچه ها یکی یکی در مورد اعضای خانواده خود صحبت می کنند و مربی حرفها را جمع بندی می کند و تعداد افراد خانواده هر بچه گفته می شود.

- به چه کسانی پدربزرگ و مادربزرگ می گوئیم؟

- در مورد عمه، عمو، خاله، دایی و ارتباط آنها با کودک سوال می کنیم.

- اگر عمه، عمو، خاله و دایی ازدواج کنند و یا کرده باشند، بچه های آنها چه

نسبتی با کودک دارند را می پرسیم و نسبت همسر آنها را جویا می شویم.

نکات اجتماعی:

چگونگی تشکیل خانواده توضیح داده می شود.

- بچه ها یکی یکی در مورد عملکرد و وظایف هر یک از اعضای خانواده

صحبت می کنند و حرفها توسط مربی جمع بندی شده و اهمیت هر یک از

اعضای خانواده شرح داده می شود (۱ نقش افراد خانواده)

- کودکان را با مفهوم خانواده کم جمعیت و پرجمعیت آشنا می کنیم و از آنها می خواهیم کدام بهتر است و چرا؟

- برای کودکان شرح می دهیم خانواده دو نوع است هسته ای و گسترده و در مورد آنها توضیح داده و از بچه ها می خواهیم بگویند که کدام یک از آنها هستند.

- احترام گذاشتن به تک تک اعضای خانواده مهم است و یک کار ارزشمند می باشد. در قرآن و دین ما آمده که باید به بزرگتر از خودمان احترام بگذاریم و با کوچکتر از خودمان مهربان باشیم.

- توجه بیشتر و رعایت حال مادر بزرگ و پدر بزرگ را بکنند.

نکات بهداشت روانی:

می پرسیم رفتار اعضای خانواده با شما چگونه است؟

- بچه ها همانطور که اعضای خانواده به شما توجه دارند شما هم باید به آنها توجه کنید.

- بچه ها همانطور که اعضای خانواده به کارهای خوب شما آفرین می گویند شما هم باید به کارهای خوب آنها آفرین بگوئید و از آنها تشکر کنید.

- بچه ها همانطور که اعضای خانواده شما را دوست دارند و به شما محبت می کنند شما هم باید به آنها ابراز محبت و علاقه کنید و با کارهایتان دوست

داشتن خود را به آنها نشان دهید.

این سه نکته را با مثال برای آنها شرح می دهیم.

نکات ایمنی:

- بدون اطلاع پدر و مادر و بزرگترهائتان به جایی نروید.

- اگر کسی به شما گفت بیا شما را پیش بابا یا مامان ببرم شما نباید به آنها

گوش کنید صبر کنید حتما پدر و مادرتان به دنبال شما می آیند.

زبان آموزی:

پدر و مادر، خانه و خانواده، پدربزرگ و مادربزرگ، خاله، دایی، عمه، عمو،

دختر خاله، پسر خاله، دختر دایی، پسر دایی، پسر عمو، دختر عمو، پسر عمه،

دختر عمه ...

مفاهیم علوم

- حیوانات خانواده دارند؟ مثال بزنید.

- تصاویری از سگ و توله هایش - گربه و بچه هایش - گاو و گوساله اش

(روی شنیر وجود دارد)

مفاهیم ریاضی

- خانواده در کجا زندگی می کند؟

- چه کسانی در خارج از خانه شما زندگی می کنند که با شما نسبت دارند؟

- تعداد افراد خانواده ات چند تاست؟

- چند تا خواهر و برادر داری؟

- چند تا خاله و دایی داری؟

- چند تا عمه و عمو داری؟

چیستان

به پدر و مادر و فرزندانیشان روی هم چه می گویند؟

آن چیست که خانواده داخل آن زندگی می کنند؟

بازی

- بچه ها نقش یکی از اعضای خانواده را با پانتومیم نمایش دهند بقیه بگویند

او چه عضوی از خانواده است؟

- اسم یکی از اعضای خانواده را می آوریم بچه ها نقش او را نمایش دهند.

- به دلخواه یکی از اعضای خانواده خود را بگوید و کارهایی مانند او نمایش

دهد.

- استفاده از پازل یک خانواده

- بازی در حیاط و چادر «خاله بازی»

کاردستی، نقاشی

- کاردستی؛ درست کردن قاب عکس برای عکسهای خانوادگی که بچه ها

آورده اند.

۱- نقاشی؛ آزاد؛ کشیدن گل و گیاه و اعضای خانواده و ...

۲- کشیدن پدر و مادر، خواهر و برادر «خانواده ی خود»

۳- کشیدن پدربزرگ و مادربزرگ - عمه و عمه ها - خاله و دایی ها

قصه گویی:

«کتاب نی نی توپولی می خوابه مهتاب برایش می تابه»

- آلبوم عکس

نی نی توپولی می آره، آلبوم عکس هاشونو
می بینه توی عکسی، مامان پری عروسه
داماد کیه؟ باباشه، نی نی توپولی می خنده
می گه: مامان نمی خوام تو بابامو ببوسی
- آشتی کنان

مامان پری دوباره، قهر شده با بابایی
بابایی هم این طرف، نشسته تنها شده
نی نی توپولی دوست داره، آشتی بده اونارو
صد تا ادا و شکک، در می آره براشون
می گه منو بذارین، رو دستاتون تاب بدین
شل بگیرین می افتم، دستها باید در نره
نی نی توپولی می آره، آلبوم عکس هاشونو
می بینه توی عکسی، مامان پری عروسه
داماد کیه؟ باباشه، نی نی توپولی می خنده
می گه: مامان نمی خوام تو بابامو ببوسی
- آشتی کنان
مامان پری دوباره، قهر شده با بابایی
بابایی هم این طرف، نشسته تنها شده
نی نی توپولی دوست داره، آشتی بده اونارو
صد تا ادا و شکک، در می آره براشون
می گه منو بذارین، رو دستاتون تاب بدین
شل بگیرین می افتم، دستها باید در نره

شعر:

«خانواده»

مانند دست است هر خانواده	هر کس یک انگشت در خانواده
بابا در این دست انگشت شصت است	آنکه نخستین انگشت دست است
انگشت بعدی یعنی نشانه	او مادر ماست خانوم خانه
انگشت سوم یعنی برادر	اینجا نشسته پهلوی مادر
پس این یکی کیست انگشت دیگر	آری درست است او هست خواهر
من هستم آخر، انگشت کوچک	انگشتها را دیدی تو تک تک
ما پنج انگشت هستیم با هم	با هم شریکیم در شادی و غم
گرچه جدائیم ما پنج انگشت	هستیم با هم مانند یک مشت

وسایل مورد نظر و نیاز و کارهایی که قبلاً باید تدارک دید و انجام شود.

- تصاویری از مشاغل گوناگون که پدر و مادر آنها دارند.

- تصویری از یک پدر بزرگ و مادر بزرگ

- کتاب حیوانات «تصاویر حیوانات با بچه هایشان»

- مقوا، قیچی، چسب، خط کش، عکس «برای تهیه کار دستی»

- ورق A4 برای نقاشی کودکان

- کتاب قصه نی نی توپولی می خوابه، برای قصه گویی

- پلی کپی شعر خانواده با تصویر دست ضمیمه شده

- شیر کیسه ای که عکس گاو گوساله را نشان می دهد.